

نقد فیلمنامه «آملیا»

## کبریت خیس

جیمز برادینلی

مترجم: حسین عیدی زاده



به دلیل ناپدید شدن اسرارآمیزش بود تا موفقیت‌هایش در زندگی. سال ۱۹۳۷ ارهارت و فرد نونان ناوبر تلاش کردند تا دور زمین را با هواپیما سفر کنند. در آخرین مرحله از سفر، وقتی برای سوخت‌گیری به یکی از جزایر اقیانوس آرام نزدیک می‌شدند، ناپدید شدند و دیگر کسی آنها را ندید. سر ناپدید شدن او، موضوع معروف بحث‌های بسیاری بوده. حتی امروز هم جواب قاطعی در مورد سرنوشت او و نونان وجود ندارد.

فیلم نئیر در ژوئن ۱۹۳۷ آغاز می‌شود؛ ارهارت مشغول سفرش به دور زمین است. بخش اعظم داستان در فلاش‌بک روایت می‌شود. آملیا را پیش از به شهرت رسیدنش می‌بینیم؛ وقتی ناشی به نام جورج پوتنام او را انتخاب می‌کند تا مسافر پروازی بر فراز اقیانوس اطلس باشد و سپس شرح سفرش را بنویسد. ناشر بعدها با ارهارت ازدواج می‌کند. این مقاله و سفر موجب به شهرت رسیدن ارهارت می‌شود و او از شهرتش برای رسیدن به آرزویش یعنی خلبان شدن استفاده می‌کند. سال ۱۹۳۲ پرواز تک‌نفره‌اش از او الگویی تأثیرگذار برای دختران نسلش می‌سازد. با همسر رئیس جمهور یعنی النور روزولت دوست می‌شود و سپس بزرگ‌ترین تصمیمش را می‌گیرد؛ سفر به دور دنیا.

استفاده از فلاش‌بک عجیب به نظر می‌رسد، چون چیز خاصی را که از طریق روایت معمول زمان مدار نمی‌شد تعریف کرد، به فیلم نمی‌افزاید. استفاده از روایت غیرخطی تنها وقتی مفید است که منظور و هدفی داشته باشد، اما در اینجا دلیل دندان‌گیری نداریم. و در نتیجه رفتن به گذشته‌ها گاهی حواس بیننده را پرت می‌کنند. داستان به شکل قابل قبولی به تاریخ وفادار است و اطلاعات به دردیخوری در مورد زندگی ارهارت به بیننده می‌دهد؛ اطلاعاتی که در اغلب کتاب‌های تاریخ دبیرستان پیدا نمی‌شوند. لحن فیلم کمی شل و ول است و صحنه‌های اکشن (مثلاً برخورد هواپیمای ارهارت با توفان) خوب از آب درنیامده. باید خیلی زیاد به خلبانی علاقه داشته باشید که فصل‌های بدون مخاطره هوایی زندگی ارهارت را تحمل کنید.

آملیا اعمال ارهارت را لاپوشانی نمی‌کند، از تکریم او هم پرهیز می‌کند. او برعکس آن چه خودش می‌گفته، به شکل آدمی بی‌قرار، خودخواه و رویابین نشان داده می‌شود. در واقع اگر قرار باشد کسی تکریم شود، این جورج پوتنام است که ارهارت را همان گونه که هست می‌پذیرد؛ با شرایط آملیا با او ازدواج می‌کند، از تلاش‌های خطرناک او حمایت می‌کند و حتی پس از لغزش باز هم ارهارت را می‌پذیرد. ریچارد گر در نقش این ناشر می‌درخشد؛ او کاریزمایش را نشان می‌دهد، اما نه کاریزمای رمانتیک. (راستش را بخواهید او مرا به یاد پدر بزرگ مادری‌ام می‌اندازد). هیلاری سوانک از نظر فیزیکی بسیار شبیه ارهارت است (در حدی که عکس‌های آرشیوی که در انتهای فیلم نشان داده می‌شود، ممکن است عکس‌های او باشند نه عکس‌های واقعی ارهارت) و بازی‌اش هم قابل توجه است، اما نه آن قدر درجه یک که اسکار بگیرد. اما استفاده خوبی از ایوان مک گرگور و کریستوفر اکلستون نشده، شاید چون نقش‌هایشان در فیلمنامه دست‌کم گرفته شده. این به ویژه به شخصیت فرد نونان لطمه زده، چون شخصیت جذابی است، حتی جذاب‌تر از شخصیت آملیا. (البته احتمال این که فیلمی به نام فرد نظر تهیه‌کنندگان را جلب می‌کرد، صفر است.)

مشکل فیلم‌هایی اینچنین این است که داستان‌شان تأثیر ماندگاری بر بیننده نمی‌گذارند. شبیه انسانی است که احساس ندارد. داستان بیشتر شبیه وقایع‌نگاری تاریخ است تا زنده کردن آن. سرنوشت ارهارت خیلی برایم مهم نبود و مثلاً رابطه‌اش با پوتنام، درست مثل تلاش برای روشن کردن آتش با کبریت خیس بود. پایان فیلم، زندگی آملیا را مبهم ختم می‌کند و نتیجه‌گیری دندان‌گیری ارائه نمی‌دهد. در مجموع فیلم استاندارد است. شاید زمان فیلم کمی خسته‌ام کرد، اما انتظار بیشتری داشتیم، مخصوصاً وقتی که کارگردان، فرد با استعدادی چون میرا نئیر باشد. (که فیلم قدرتمند پیشینش هم نام داشت.) این فیلمنامه برای دانش‌آموزان دبیرستان خوب است که سرکلاس تاریخ تماشایش کنند، نه برای تماشا در سینما.

ک

آملیا ساخته میرا نئیر یک فیلم زندگی‌نامه‌ای کاملاً منطبق با قواعد این نوع فیلم‌هاست. با دنبال کردن الگوهای موجود، فیلم خطر نمی‌کند و سراسر است، و هر کسی قادر به ساختن چنین فیلمی است. بدون شیرین کاری‌های روایی و با کمترین میزان غلو، فیلم مناسب ذائقه کارخانه رویاسازی هالیوود است. این کار بد نیست، اما الزاماً خوب هم نیست. آملیا ارهارت زندگی پرافت و خیز و جالبی داشته که بازگویی ساده آن به تنهایی فیلم را تا حدی بالا می‌کشد. چهره و بازی هیلاری سوانک به فیلم کمک می‌کند و سبک میرا نئیر به عنوان کارگردان هرگز راه داستان را سد نمی‌کند. شاید فیلم زندگی دقیق ارهارت را تعریف نکند، اما به دیدنش می‌ارزد. ارهارت که در سال ۱۸۹۷ به دنیا آمد، اولین فردی بود که به تنهایی بر فراز اقیانوس اطلس پرواز کرد. شهرت ماندگار او تا ۷۰ سال پس از مرگش (البته فکر می‌شد که او مرده) بیشتر